



مؤلفه‌های علوی در اندیشه سیاسی سید قطب‌الدین نیریزی در تطبیق با مضامین

مذهبی کتیبه‌های مقبره سید احمد نیریزی در نیریز

علی اشرف حاتمی^۱، ناصر جدیدی^۲ ID، سید علیرضا ابطحی^۳

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. alishrafhatami@yahoo.com

^۲ (نویسنده مسئول) گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. jadidi_naser@yahoo.com

^۳ گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. seyedalirezaabtahi@yahoo.com

چکیده

تاکنون اندیشه‌های حضرت علی (ع) از زوایای گوناگون بررسی شده است؛ اما کمتر به صورت مستقل به بازتاب آن در اندیشه علمای شیعی توجه شده است. یکی از علمای شیعه سید قطب‌الدین نیریزی (متوفی ۱۱۷۳ ه.ق) است. سید قطب‌الدین نیریزی از حکمای شیعه عصر صفوی است که نقش مهمی در تحول گفتمان سیاسی- شیعی زمانه خویش داشته است. گرچه معرفت-شناسی دینی وی از سوی محققان مطالعه شده؛ اما تاکنون اندیشه سیاسی ایشان مغفول مانده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی انجام شده است. در این پژوهش براساس روش جستاری توماس آرتور اسپریگنز، مهم‌ترین مؤلفه‌های علوی تأثیرگذار در اندیشه سیاسی سید قطب‌الدین نیریزی واکاوی شده و با مضامین مذهبی کتیبه‌های مقبره سید احمد نیریزی مقایسه شده است. نتایج تحقیق حاکی از این است که سید قطب‌الدین نیریزی به پیروی از حضرت علی (ع) و به تبع آن مؤلفه‌های اصیل علوی از جمله نهج‌البلاغه و زیرمجموعه‌های آن همچون تعقل‌گرایی و اختیار باوری سعی در بنای اندیشه سیاسی خویش داشته است؛ از این رو نقد علمای قشری، نقد حاکمیت صفوی، توجه به اهمیت و جایگاه مردم در اداره جامعه و انتخاب سلطان، مهم‌ترین دلالت‌های تبیینی (وضعیتی) و تأکید بر عمل مسئولانه در برابر انزوای عافیت‌طلبانه و اجرای تعهدنامه سیاسی، مهم‌ترین دلالت‌ها و مقومات هنجاری و تضمینات سیاسی اندیشه سید قطب‌الدین نیریزی بوده که این نکات با مضامین کتیبه‌های مقبره سید احمد نیریزی برابری می‌کند.

اهداف پژوهش

۱. بازشناسی مؤلفه‌های علوی در اندیشه سیاسی سید قطب‌الدین نیریزی؛
۲. تطبیق اندیشه‌های سیاسی سید قطب‌الدین نیریزی با کتیبه‌های مقبره سید احمد نیریزی.

سؤالات پژوهش

۱. مؤلفه‌های علوی چه تأثیری بر اندیشه سیاسی سید قطب‌الدین نیریزی داشته است؟
۲. مضامین کتیبه‌های مقبره سید احمد نیریزی چه شباهتی با اندیشه‌های علوی سید قطب‌الدین نیریزی دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۲

دوره ۱۸

صفحه ۷۴ الی ۸۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۱۲/۱۸

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

مؤلفه‌های علوی،

سید قطب‌الدین نیریزی،

اندیشه سیاسی،

کتیبه،

سید احمد نیریزی.

ارجاع به این مقاله

حاتمی، علی اشرف، جدیدی، ناصر، ابطحی،

سید علیرضا. (۱۴۰۰). مؤلفه‌های علوی در

اندیشه‌های سیاسی سید قطب‌الدین

نیریزی در تطبیق با مضامین مذهبی کتیبه

های مقبره سید احمد نیریزی در نیریز.

هنر اسلامی، ۱۸(۴۲)، ۷۴-۸۶.



dor.net/dor/20.1001.1

[17357/08.1400.18.42.5,6](https://doi.org/10.17357/08.1400.18.42.5,6)



dx.doi.org/10.22034/IAS

[10.22034/IAS](https://doi.org/10.22034/IAS)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از منظر تاریخی، اندیشه سیاسی سید قطب‌الدین نیریزی (متوفی ۱۱۷۳ ه.ق) به اواخر عصر صفویه تعلق داشته است. زندگی وی مصادف با هجوم افغان‌ها به ایران و سقوط حکومت شاه سلطان حسین بوده است. در این دوره، هنوز خاطره قدرت بلامنازع پادشاهان شیعی صفوی در اذهان ایرانی‌ها زنده نشده بود. صفویان براساس سه رکن شیعه‌گری، صوفی‌گری و ملی‌گرایی، توانستند اقتدار سیاسی پر دامنه‌ای را به وجود آورند و با تکیه بر اعتقادات شیعی و ادعای سیادت و پیوند با امامان شیعه، توانستند مشروعیت سیاسی کسب کنند. از اندیشه سیاسی سید قطب‌الدین بعدها منابع و مستندات مشاهده شد. در این میان در کتیبه‌های مقبره سید احمد نیریزی نیز مشترکاتی با اندیشه‌های قطب‌الدین نیریزی نمود پیدا کرد. احمد نیریزی حدود سال ۱۰۶۰ ه.ق. در نیریز دیده به جهان گشود. نام پدرش محمد و ملقب به شمس‌الدین بود. احمد پس از تحصیلات اولیه، در دوره شاه سلیمان صفوی راهی پایتخت، اصفهان، شد. گمان می‌رود که مشق خط را نزد محمدصادق تبریزی آغاز کرده و سپس برای تکمیل رموز هنر به محضر محمدابراهیم قمی (فرزند محمدنصیر) راه یافته است. اگرچه از نیریزی خط‌های ثلث، رقاع، نستعلیق و شکسته نستعلیق نیز به جای مانده؛ اما وی نسخ را عرصه یگانه‌سازی خود ساخته و سبکی از نسخ‌نویسی را که پیش از وی در حال شکل‌گرفتن بود، سر و سامان داد. به این ترتیب نسخ ایرانی را به رسمیت رساند و مشهورترین استاد نسخ ایرانی گشت؛ لذا این مقاله درصدد بررسی تطبیقی مضامین کتیبه‌های مقبره سید احمد نیریزی با مؤلفه‌های علوی اندیشه‌های قطب‌الدین رازی شد.

درخصوص موضوع پژوهش حاضر تاکنون تحقیق جامعی در ابعاد مختلف آن به عمل نیامده است و تک‌نگاری‌هایی که عرضه شده است، عمدتاً با رویکرد بیرونی است که پیش‌فرض‌های شرق‌شناسانه را از خارج به اندیشه سیاسی اسلام تحمیل می‌کند. بر اساس آن حکم انحطاط و زوال اندیشه صادر گشته و در گستره تاریخ و سنت سیاسی اسلام تعمیم داده می‌شود. از جمله این آثار می‌توان به *زوال اندیشه سیاسی در ایران* نوشته جواد طباطبایی اشاره کرد. در معدود تحقیقاتی که هم با رویکرد درونی صورت گرفته است، به بازتاب مؤلفه‌های علوی در اندیشه سیاسی علمای شیعی عنایتی نشده است؛ از جمله این آثار می‌توان به *اندیشه سیاسی ملاصدرا*، *اندیشه سیاسی فیض کاشانی*، *اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی* و *اندیشه سیاسی شیخ بهایی* که توسط محققینی همچون دکتر نجف لک‌زایی، دکتر بهروز لک، محسن مهاجر، علی خالقی و داوود فیرحی به نگارش درآمده‌اند، اشاره کرد. تنها آقای مهدی فدائی مهربانی و عبدالحسین خسرو پنا (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «عرفان و راه برون‌رفت از بحران سیاسی در اندیشه سیاسی سید قطب‌الدین نیریزی» به بازتاب بعضی مؤلفه‌های علوی در اندیشه سیاسی سید قطب‌الدین البته به صورت ناهمگون اشاره کرده‌اند. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر مستندات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی درصدد واکاوی ارتباط مضمومی کتیبه‌های مقبره سید احمد نیریزی با اندیشه قطب‌الدین رازی است.

۱. بررسی اندیشه سیاسی سید قطب‌الدین نیریزی

سید قطب‌الدین محمد نیریزی شیرازی (متوفی ۱۱۷۳ ق) از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اندیشمندان سیاسی اواخر دوره صفویه است که متأسفانه تاکنون از اندیشه‌های سیاسی وی، غفلت شده است. نیریزی به جهت آنکه از شأن بالایی در میان عرفا برخوردار بوده است به «قطب‌الدین» ملقب می‌شود. این لقب، حکایت از گسترش عرفان معرفتی و شریعت‌محور در ایران دارد. او از حکما و عرفای بزرگ شیعی اواخر عصر صفوی است، حتی محمود افغان با ارسال هدیه برای نیریزی، ارادت خود را به وی نشان داد (عقیلی، ۱۳۸۹: ۱۲۳). همچنین در دوره کریم‌خان زند نفوذ معنوی قطب‌الدین همچنان ادامه داشت (خاوری، ۱۳۶۲: ۳۳۸). ازدواج نیریزی با دختر استادش اصطهباناتی، یادآور ازدواج شیخ صفی‌الدین اردبیلی با دختر شیخ زاهد گیلانی است که هر دو پس از استاد به قطبیت رسیدند. البته یکی مربوط به آغاز دوران صفویه و دیگری مربوط به روزهای پایانی سلطنت این خاندان است. با این وجود، نام هر دو شخصیت به نوعی با سیاست، پیوند می‌خورد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل غفلت از اندیشه‌های سیاسی نیریزی، جایگاه رفیع وی در تاریخ عرفان شیعی و بیشتر نگاه به این بعد از افکار او باشد، درحالی‌که نگاه ژرف‌کاوانه به اندیشه‌های نیریزی به مثابه یکی از نمایندگان اصلی اندیشه شیعی در ایران مشخص خواهد شد که وی چگونه در آخرین سال‌های حکومت خاندان صفوی با استفاده از مبانی و مؤلفه‌های علوی، سنجی از اندیشه سیاسی را عرضه می‌کند. سنجی که دارای سه رکن اساسی مبانی معرفتی، تبیینی و هنجاری اندیشه سیاسی در حوزه ساختار قدرت سیاسی و عنایت به حقوق مردم است.

قطب‌الدین نیریزی از اقطاب سلسله صوفیه ذهبیه است (نیریزی، ۱۳۷۱: ۱۰) ذهبیه از سلاسل تصوف شیعی است که به شریعت، ملتزم بوده و از سوی علما نیز معتبر شناخته می‌شد. شاید ارجاعات سیاسی قطب‌الدین نیریزی به نهج‌البلاغه نیز، حکایت‌کننده پیوند درونی این نحله عرفانی با معارف شیعی داشته باشد؛ چنانکه ذهبیه نیز خود را از سلسله‌هایی می‌دانند که «من البدو الی الختم» شیعه بوده‌اند (فدائی مهربانی و خسرو پناه، ۱۳۹۱: ۱۱۹). نیریزی در ابتدای رساله فصل الخطاب یا «حکمت العلویه» می‌گوید که «پای در دایره طریقت ذهبیه کرده» و به «معرفت رضویه رسیده است» (نیریزی، نسخه خطی ۳۶۴/۳ دانشگاه: ۱). از جمله مبانی معرفتی اندیشه سیاسی ذهبیه می‌توان به نداشتن خانقاه در جایی جز ایران، همگامی با اعتقادات و باورهای شیعی و پایبندی به اصول شریعت و احکام فقهی و تقیه به آن، بسته بودن و پرهیز از تبلیغات پرهیاهو برای جذب مرید اشاره کرد (چهاردهی، ۱۳۸۲: ۱۷۴-۱۷۱).

یکی از مبانی معرفتی شکل‌گیری اندیشه سیاسی قطب‌الدین شیرازی، علاقه وی به نهج‌البلاغه و عهدنامه مالک اشتر بوده است (فدائی مهربانی و خسرو پناه، ۱۳۷۱: ۱۰۹) درواقع، نیریزی در طبقه‌بندی منابع و مختصات تأمل شیعی در باب سیاست، در زمره افرادی است که بر مبنای عهدنامه مالک اشتر به تأملات سیاسی پرداخته‌اند، به گونه‌ای که وی غالباً تحلیل‌های خود را به استناد نهج‌البلاغه ارائه داده است. «عقیده من بر این اساس و از خداوند در اظهار آن توفیق می‌خواهم که اساس این درمان و راه نجات از این وضعیت هلاکت‌بار، پیروی از سخن امیر مؤمنان و بزرگ دین است. کسی اگر اطاعتش کند، خدا را اطاعت کرده و اگر نافرمانی‌اش کند، خدا را نافرمانی کرده است و کسانی که به او پناه

آورند، به خدا پناه آورده‌اند (نیریزی، ۱۳۷۱: ۸۱) به‌گونه‌ای که نیریزی به پیروی از علی(ع)، سعادت انسان را بسته به اختیار و اراده او می‌داند (فدائی مهربانی و خسرو پناه، ۱۳۹۱: ۱۲۱). این دو، بعد از مبانی معرفتی اندیشه سیاسی نیریزی در تأمل در باب علل سقوط صفویان، نمود عینی می‌یابد.

از نکات جالب توجهی که در بازتاب مؤلفه‌های علوی در اندیشه سیاسی نیریزی وجود دارد، تحلیل وی بر مبنای اراده و اختیار اجتماع و دوری گزیدن از تحلیل‌های جبرباورانه است. بدیهی است که این تحلیل در صورتی می‌تواند از سوی یک اندیشمند، ارائه شود که در نظام فکری خود دارای یک انسان‌شناسی مبتنی بر رویکردهای علوی و اختیار فردی باشد. نیریزی قطعاً این باور را بر مبنای اندیشه علوی ارائه می‌دهد؛ یعنی اندیشه‌ای که در آن انسان در کانون شناخت حقیقت قرار می‌گیرد. در اندیشه نیریزی، برخلاف برخی از علمای قشری، این انسان‌های یک اجتماع هستند که سرنوشت خود را رقم می‌زنند و جبر، چیزی جز، اعمال انسان نیست. به همین جهت «تمامی نصوصی را که به آن‌ها استناد می‌کند، نصوصی است که دلیل تغییرات اجتماعی را برخاسته از متن خواست جامعه و انسان‌ها می‌داند.» (نیریزی، ۱۳۷۱: ۱۹). با وجود این، وی از تفکرات دینی، فاصله نگرفته و تحلیل وی صرفاً مبتنی بر اوضاع اجتماعی نیست. اندیشه سیاسی نیریزی بر این مبنا استوار است که در مقابل بیماری‌های بیرونی اجتماع، درمانی بر مبنای آرای علوی ارائه دهد و بدین گونه در کسوت یک طبیب روحانی، ایفای نقش کند. همان‌گونه که در فصل نخست کتاب خود، با عنوان «الاسباب و العلامات» آورده، معتقد است: «شکستن پیمان با خدا و رسول» سبب «تسلط دشمن» شده است (همان: ۲۲) و بر مبنای حدیثی از امام صادق که «اگر عالمی را دوستدار دنیا دیدید، او را در دینش متهم کنید» (کلینی، بی تا، ۱/ ۴۶) می‌آورد: «ما به قومی نزدیک شدیم که پیش از این اهل رفاه بودند. ما به کمک آنان از دنیا بهره بردیم و در دسته مسرفین قرار گرفتیم» (نیریزی، نسخه خطی ۳/ ۳۶۴: ۲۳). این تحلیل وی بر مبنای شیعی استوار است؛ زیرا در بخشی از همان رساله آورده است «هر کسی نسبت به آنچه دوست دارد، تعلق خاطر دارد.» (نیریزی، ۱۳۷۱: ۷۴).

درواقع نیریزی مهم‌ترین اندیشمند شیعی اواخر صفویه است که با استفاده از شیوه‌ها و اندیشه علی(ع) در امر حکومت‌داری، به سقوط صفویه به‌عنوان حکومتی با نماد شیعی در شرایط بحران توجه کرده است (فدائی مهربانی و خسرو پناه، ۱۳۹۱: ۱۰۸) وی در *طب الممالک و فصل الخطاب* تأملاتی در این موضوع داشته است و در خلال آن‌ها نوع خاصی از اندیشه سیاسی-شیعی را ارائه کرده است. در واقع سقوط صفویان به‌مثابه یک حکومت شیعی که مبتنی بر اعتقادات عمیق مردم و اصحاب معرفت بود، پرسش‌های بسیاری را در اذهان ایجاد کرده بود و این خود بستری برای نوعی از اندیشه سیاسی شرایط بحران شد. در این میان، اندیشه‌های سیاسی قطب‌الدین نیریزی یکی از مهم‌ترین وجوه چنین جریانی است.

عهدنامه مالک و به تبع آن رساله سیاسی قطب‌الدین نیریزی به جهت نزدیکی به مختصات تفکر الهی، جایگاه مهمی برای اختیار مردم در شکل‌دهی به سعادت خود در نظر گرفته‌اند. نیریزی در سطوح علمی‌تر حتی درباره کیفیت مشورت، چگونگی مجهر ساختن سپاه و فرستادن جاسوسان نیز سخن می‌گوید که بیان این فقرات از زبان صوفی، تقریباً عجیب است (نیریزی، ۱۳۷۱: ۸۴). به نظر وی همه مردم به‌مثابه کسانی هستند که هم موضوع سیاستند و هم

سیاست الهی در گرو تراده عمومی آنهاست. بدیهی است با دیدگاهی که عرفان اسلامی در باب نفی تعلقات و تقیدات دارد، تحلیل نیریزی این است که تقیدات بیشتر باعث دوری از حق و در نتیجه دوری بیشتر از حقایق جامعه شده است و این مهم‌ترین دلیل ضعف و اضمحلال خاندان شیعی خواهد بود.

دلالت‌ها و مبانی تبیینی اندیشه سیاسی نیریزی به پیروی از سیره و اندیشه پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) متوجه علمای قشری، نهاد سلطنت و مردم است. وی در حدیثی معنادار ضمن نقد برخی علمای وابسته به دربار می‌آورد که به جای معیار حق، پابوسی سلطان می‌کنند: «رسول خدا فرمود: فقها، امانت‌دار رسولانند تا وقتی که در دنیا وارد نشوند. از آن حضرت پرسیدند ورود آنان به دنیا به چه معناست؟ آن حضرت فرمود: پیروی از سلطان! وقتی چنین کردند در دینتان از آنان بر حذر باشید.» (کلینی، بی تا: ۱/ ۴۶). آنچه مورد نظر نیریزی است، نقد علمایی است که چاپلوسی سلطان کرده و او را معیار حقیقت پنداشته‌اند. البته نباید این عبارت حتی حدیث پیامبر را به نفی همکاری با سلطان، به‌طور کلی و مطلق، تأویل کرد؛ چه اینکه خود رساله نیریزی، نشانگر تأسف و وی از زوال حکومت صفوی است. به‌هر حال، آنچه مشخص است، این است که نیریزی در مقابل کسانی که معیار را سلطان صاحب‌شوکت می‌دانند، معیار را حق و حقیقت اجتماع می‌داند و با معادله عرفانی حرکت اختیاری به سوی حق و حقیقت نظر وی به سوی مردم گرایش می‌یابد. از سوی دیگر سید قطب‌الدین به پیروی از سیره امام علی (ع) دارای نوعی دید مثبت، نسبت به مردم است. گرچه نفس دخالت دادن مردم به‌عنوان یکی از ارکان سه‌گانه عهدنامه در آن دوره زمانی نوعی نوآوری فکری است؛ اما ریشه در اندیشه امام علی (ع) داشته است. نیریزی، جدای از نقد بر سلاطین، نسبت به علمای درباری انتقادات تندی ارائه داده است و مرتباً فریاد «یا علماء دین الله» و «یا علماء امه سید المرسلین» سر می‌دهد که «کجاست شجاعت و کجاست غیرت در حالی که از اطراف و اکناف بلاد، زنان به اسارت درمی‌آیند، ناموس مردم از میان می‌رود و ما مانند قاعدین بر جای خود نشستیم. اگر این تشیع و ایمان است که وای بر حال شما، قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (نیریزی، ۱۳۷۱: ۲۸).

نقد نیریزی، متوجه برخی علمای قشری است که با نقد تصوف و عرفان اصیل، مردم را به کج‌راهه می‌بردند. او در فصل الخطاب یا حکمت‌العلویه در موارد متعدد، این علما را «اشباه العلم» خوانده است (نیریزی، ۱۳۷۱: ۳۲). او در همانجا مخالفت علما با عرفا را مخالفت با «منبع دولت صفوی» می‌داند؛ چراکه به نظر وی صفویه، از فرقه‌های صوفی بودند (نیریزی، ۱۳۷۱: ۳۳)؛ بنابراین، در نظر وی یکی از دلایل زوال خاندان صفوی، دور شدن از عرفان شیعی به‌عنوان منبع مشروعیت خود است که البته با توجه به مسائل اعتقادی، این دلایل را شرح می‌دهد.

وی در موارد دیگری به نقد علمای قشری پرداخته که سعی دارند صفویه را از پایگاه خود دور کنند. او حساب علمای واقعی را از علمای قشری جدا کرده و به همین جهت است که علمای واقعی را یکی از ارکان اصلی عهدنامه سه‌جانبه خود دانسته است؛ بنابراین، منظور وی از علما به‌عنوان یکی از ارکان سه‌گانه تعهدنامه سیاسی، علمای اهل باطن و افراد به‌ظاهر عالم است. به‌زعم وی شاه کنونی، بر خلاف شاهان پیشین صفوی، راه دیگری را در پیش گرفته است. به همین دلیل، با وجود تمجیدهایی که از «سلسله جلیله صفوی» دارد، علما را به خاطر قُرب به شاه، مورد حمله قرار داده و

همین را از عوامل خرابی اوضاع ذکر کرده است (نیریزی، ۱۳۷۱: ۳۷). نیریزی معتقد است در شرایط حساس سیاسی و بحران‌های اجتماعی، این علمای قشری و درباری، فرار را بر قرار ترجیح خواهند داد و پشتوانه خوبی برای حکومت به شمار نمی‌روند. برخلاف این‌ها، صوفیان همواره در مواقع حساس به پشتیبانی از مردم شتافته‌اند. وی در اشعاری به نقش دراویش شیعه در دفاع از ایران در برابر حمله خارجی اشاره دارد؛ در حالی که بر این باور است که علمای قشری از برابر آنان گریخته‌اند:

فراعنة من حزب افغان خاصموا و قد عاملوا مع اهلها بالاهانه
و بعض دراویش التشیع دافعوا و قد عجز و ابل صور عوا فی الهلاکه
و اشباه اهل العلم حین تزلزلت ذعائهم فی حب جاه الفضیله
لقد هربوا عند المصائب فی القرى و عزتهم قد بدلت بالمذله

وی در این شعر، به خوبی نشان می‌دهد که علت اصلی نزدیکی علمای ظاهری و «اشباه اهل العلم» به دربار «حب جاه» است؛ بنابراین، در هنگامه تزلزل حکومت، کاری نخواهند کرد. این تحلیل و تبیین نیز مبتنی بر گفتارهای حضرت علی در نهج‌البلاغه است و به‌طور کلی بر مبنای منابع منقول، تأملات سیاسی نیریزی، دارای اعتبار است. از سوی دیگر نیریزی، با تبیین مختصات سلطان و علمای واقعی، سعی دارد در این معادله، روحی عرفانی حاکم سازد. در نظر وی «عالم واقعی» همان «عالمان عارف» و «فقیهان مرشد» هستند که مسئولیت اصلی به عهده آن‌هاست: «عالمان عارف و فقیهان رشیدیافته مرشد باید آگاه باشند و چگونه آگاه نیستند که خداوند آشکارا بیان کرده که مسئولیت ما شدیدتر و حجت بر ما سنگین‌تر است؟» (نیریزی، ۱۳۷۱: ۸۰). چنانکه مشخص است، قطب‌الدین نیریزی به پیروی از سیره علی (ع)، مخالف هرگونه تصوف زاهدانه و زاویه‌نشینی است و عرفان را دارای مسئولیتی سیاسی و اجتماعی می‌داند. نیریزی با همین اسلوب بر فقیهان و صوفیان ظاهری که خود را مشغول دنیا کرده و مملکت را رها کرده‌اند، می‌تازد.

نیریزی در جای دیگری با طعنه به سلطان حسین، مختصات سلطان واقعی را نیز با توجه به عهدنامه مالک اشتر، گوشزد می‌کند (نیریزی، ۱۳۷۱: ۸۱). «اگر شاه، نادان باشد و بدون عقل، سخن هر کس؛ خوب یا بد را گوش فرا دهد، میان دوست و دشمن، کسانی که در پی آبادانی مملکتند یا کسانی که در صدد تخریب، فرقی نمی‌نهد. او همان ستمگر ترسوی رشوه‌گیرنده و ضایع‌کننده سنت است. در این صورت است که هلاک می‌گردد.» (همان: ۸۳). نکته جالب اینجاست که صفات مذکور، همگی در هیبت ظل‌اللهی شاه سلطان حسین جمع بود و در واقع «شاه جنت مکان فردوس آشیان» مصداقی برای کنایه و تمثیل نیریزی بود. با توجه به تربیت شاه سلطان حسین در حرمسرا و بی‌کفایتی وی در اداره امور که در اواخر سلسله صغویان دیده شد، ضعف فزاینده‌ای بر ساختار حکومت صغویان، نمودار گشت. گزارشات نیریزی نیز این مدعا را تأیید می‌کند. نیریزی تأکید می‌کند که «اگر شاه، فردی مصمم و صاحب اراده نباشد ... عده‌ای بی‌سروپا در حکومت او طمع خواهند ورزید. در این صورت، آیا آن‌ها که موقعیت برتر دارند، همچون رومیان و هندیان و جز آن‌ها طمع در ملک او نخواهند کرد؟» (همان: ۸۳).

نیریزی در رساله سیاسی «در تحلیل علل سقوط صفویه و راه‌حل بازگشت آن به قدرت»، دارای قلمی بی‌باک است و در آن از انتقاد بر سلطان، هراسی ندارد. خود نیریزی، رساله را «حق، ناب گرچه تلخ است» نامیده است (همان: ۶۹). نیریزی درباره‌ی مسائلی چون گردآوری خراج، پیکار با دشمنان، سامان دادن کار مردم و آبادکردن شهرها، قانون، حکومت و امارت، اداره‌ی شهر، کیفیت برخورد با رعیت «و اینکه آن‌ها را صنف‌هاست که کار برخی جز با برخی دیگر سامان نمی‌یابد که از جمله آنها لشگریان الهی، دبیران که نامه‌های عمومی و یا خصوصی می‌نگارند و داوران دادگستر، کارگزاران که به انصاف و مدارا عمل می‌کنند، اهل خرید و خراج اند از اهل ذمه و توده‌های مسلمان مردم، بازرگانان، اهل حرفت و صنعت، طبقه دون پایه از حاجتمندان و درویشان» (نیریزی، ۱۳۷۱: ۸۴) معتقد به توصیه‌نامه‌ی علی (ع) به مالک اشتر در امر حکومت است.

نیریزی در این عبارت، برخلاف برخی از عرفا نظیر «عزیز نسفی» که از اندیشه‌ی عرفانی، نوعی انسان کامل و خلیفه‌ی الله، افاده کرده و حکومت را شایسته‌ی وی می‌دانند (نسفی، ۱۳۸۴: ۱۳۶). گزینش سلطان را به قرعه و انتخاب، واگذار کرده و بیشتر سعی دارد روح شیعی را به جای شخص سلطان کامل در حکومت پیاده کند. شاید بتوان گفت عبارات بالا از نخستین مدعیات در تاریخ اندیشه‌ی ایرانی باشد که به پیروی از سیره امام علی (ع) از محدودکردن قدرت پادشاه و تعهدی که مقام شاهی باید در مقابل مردم داشته باشد، سخن رانده است. بدین ترتیب با رساله سیاسی نیریزی برای اولین بار، مفهوم «سلطنت مطلقه» که در دوره‌ی میانه تئوریزه شده بود، زیر سؤال می‌رود و این قابلیت، بدون شک در کلمات علی بن ابی طالب (ع) در عهدنامه‌ی مالک نهفته است.

تمامی پیشنهادات نیریزی دارای استناداتی حدیثی و قرآنی است و بدین طریق با نشان دادن شیوه‌ی درست حکومت بر مبنای عهدنامه‌ی مالک در نهج البلاغه که در آن «راحت مردم» لحاظ شده است، از مدعیان نخستین خود که دوری از شیوه‌ی اسلامی حکومت باعث بحران کنونی شده است، بازمی‌گردد. نیریزی به برادران و علمای دینی جامعه‌ی خویش توصیه می‌کند که مردانی از آن جنس باشند که علی (ع) توصیف کرده است: «ای برادران دینی ما و ای علمای امت رسول‌الله (ص) اگر از آن دسته مردانی هستید که امیر مؤمنان (ع) وصفشان کرد، حداقل برای حفظ حیات آنان و نگهداری دختران و پسران و زنان، به ناچار تلاشی کنید تا جان در امان بماند و فرزندان و زنان از ننگ در امان باشند پیش از آنکه ننگ، همراه عذاب دردناک یکباره بر سرمان فرود آید و آن زمان گریزگاهی نباشد.» (نیریزی، ۱۳۷۱: ۸۶).

نیریزی هیچ‌گاه خود را در معرض بن‌بست و تنگنا قرار نمی‌دهد. برای تمام رویدادهای ضد و نقیض پاسخی شیعی دارد که نمونه‌ی آن پیروزی و شکست محمود افغان است. وی پیروزی محمد افغان در یک روز و قتل او در روز دیگری را با این توجیه که عنایات الهی به او در وقتی و غضب الهی در حق او در وقتی دیگر بوده است، پاسخ می‌دهد (عقیلی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). نیریزی تنها عالم شیعی اواخر صفوی است که به تقلید از شیوه‌ها و مؤلفه‌های علوی بر لزوم اتخاذ راهکار سیاسی برای خروج از بحران‌های سیاسی و اجتماعی، از موضعی هنجاری تأکید کرده است؛ به گونه‌ای که اگر نقدی بر شرایط سیاسی و اجتماعی، وارد ساخته است، «درمانی» نیز برای آن آورده است (نیریزی، ۱۳۷۱: ۷۷۰) و گویا این

درمان را به سیاق اندیشه شیعی، به مثابه یک طبیب ارائه داده است. او در مقابل فصل «الاسباب و العلامات» فصل «و اما المعالجات» را قرار داده و در آن، راه‌های درمان را توضیح داده است.

به نظر می‌رسد اندیشه سیاسی نیریزی از معدود اندیشه‌های سنت سیاسی شیعی است که در موضع طبابت اتخاذ شده است و از این جهت، وی یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های این سنت به شمار می‌رود. وی در رساله سیاسی، نشان می‌دهد که به «هیچ روی، تسلیم اوضاع نشده و آن‌ها را قابل برگشت می‌داند.» (همان: ۱۹)؛ زیرا سعادت جامعه، تنها در گرو اختیار و اراده عمومی خود آن جامعه است. در این مورد، نیریزی شدیداً متأثر از عهدنامه مالک اشتر است. اساساً می‌توان گفت در غالب رسالات اندیشه سیاسی عرفانی که بر مبنای عهدنامه مالک اشتر به نگارش درآمده‌اند، مردم جایگاه اصلی را دارند. بر این اساس، نیریزی، معتقد است سلطان باید به مردم تعهد دهد تا حقوق ایشان را رعایت کند (فدائی مهربانی و خسرو پناه، ۱۳۷۱: ۱۱۱). شرایط سیاسی و بحران‌های پایان عصر صفویان در میان علما، عرفا و اندیشمندان با دو واکنش مواجه شد؛ عده‌ای عافیت خویش را طلب کردند و نقشی منفعلانه را پیش گرفتند تا شرایط به حالت عادی بازگردد و عده‌ای نیز در نقش اصلاحگر، ظاهر شدند و سعی کردند راهکاری برای خروج از بحران ارائه دهند. در این میان، قطب‌الدین نیریزی همانند علی (ع) مدافع عمل مسئولانه در برابر انزوای عافیت‌طلبانه است (همان: ۱۲۳). نیریزی راه‌حل را در نوعی تعهدنامه سیاسی سه‌جانبه دید. معتقد است باید از سلطان تعهدی گرفته شود تا حکومت وی از حدود خارج نشود. در این تعهدنامه، سه طرف مشارکت‌کننده باید حضور داشته باشند: الف) سلطان، ب) عالمان، ج) مردم.

درواقع نیریزی راه‌حل نهایی در وضعیت بحرانی فوق را تشکیل یک میثاق و تعهدنامه گروهی بر مبنای عهدنامه مالک اشتر می‌داند. نیریزی، معتقد است بعد از امضا، این تعهدنامه باید به تمامی «ممالک محروسه» فرستاده شود (نیریزی، ۱۳۷۱: ۲۶) به نظر وی اهمیت فرستادن چنین عهدنامه‌ای که وظیفه سلطان را اقامه عدل، براساس همان عهدنامه مالک می‌داند به ممالک محروسه و خرابی مملکت، غفلت سلطان و ارتشاء امراء است، حتی اگر دشمن هلاک شود، علت اولیه باقی است (همان). لبه تیز حملات نیریزی، علاوه بر علمای ظاهری، علیه سلطان نیز هست. او در بخشی از رساله که به درمان و معالجه اختصاص داده است، با استناد قرآنی، دلیل این مصیبت را حکم نکردن براساس آیات خدا می‌داند؛ چراکه خداوند فرموده است: «و هر که بر وفق آیتی که خداوند نازل کرده است، حکم نکند، کافر، ظالم و فاسق است» (همان: ۷۷۰). به‌زعم وی «خرابی مملکت از ناحیه غلبه دشمنان نیست؛ بلکه در مرحله نخست، غفلت شاه و فساد مالی امیران است. اگر بر این گمان هستید که دشمنان به‌زودی به هلاکت خواهند رسید، بدانید که علت نخستین، هنوز پابرجاست و همین‌طور بعد از این پابرجا خواهد بود. آیا به جز این راهی برای درمان این خرابی‌ها وجود دارد و آیا راه نجات دیگری هست؟» (همان: ۸۵). «عقیده من بر این است و از خداوند در اظهار آن توفیق می‌خواهم که اساس این درمان و راه نجات از این وضعیت هلاکت‌بار، پیروی از سخن امیر مؤمنان و بزرگ دین است. کسانی اگر اطاعتش کنند، خدا را اطاعت کرده و اگر نافرمانی‌اش کنند، خدا را نافرمانی کرده‌اند و کسانی که به او پناه آورند، به

خدا پناه آورده‌اند. آن حضرت، اوصاف شاه را چنین بیان کرده: «و همانا دانستید که سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمانان ولایت یابد و امامت آنان را عهده‌دار شود.» (همان: ۸۱).

۲. مقبره سید احمد نیریزی

در خصوص سرگذشت یا تاریخ دقیق تولد و مرگ احمد نیریزی مانند بسیاری از بزرگان اطلاع دقیقی در دست نیست. از نکات و مطالبی که در منابع تاریخی آمده، می‌توان دریافت که او در دهه‌های پایانی قرون یازدهم و دوازدهم هجری قمری می‌زیسته است. او خوشنویسی را از استاد خود، محمدصادق سجستانی در نیریز آموخت. سپس به قم رفت و تا پایان حیات محمد ابراهیم قمی شاگرد او بود. وی پس از مرگ استاش به شهر نیریز، زادگاه خود بازگشت. او از سال ۱۱۰۰ ه.ق وارد دربار سلطان حسین صفوی شد. بیش از یک دهه پس از سقوط صفویان به عتبات عالیات، حجاز و مشهد رفت و سپس به زادگاه خود نیریز بازگشت (مرادی خلیج، ۱۳۸۵: ۳۹).

سید احمد نیریزی از خوشنویسان برجسته ایران است که تحول زیادی را در خط نسخ ایجاد کرد. او خط نسخ را به شیوه‌ای خاص که گویی از خط نستعلیق چاشنی دارد، درآورده و خطاطان ایرانی از آن زمان تاکنون، از آن پیروی کرده‌اند (فضائی، ۱۳۶۲: ۲۹۲). این شیوه در نسخ‌نویسی، کامل‌کننده شیوه هنرمندانی چون علاءالدوله تبریزی و محمد ابراهیم قمی است که نسخ ایرانی مشهور گردید.

ظهور نیریزی باعث پدیدار شدن قالب جدید قرآن‌نگاری و استفاده از شیوه ترجمه بین سطور شد. خطی که او ابداع کرد، از آغاز دوره قاجار برای نگارش متون قرآنی متداول شد. نیریزی همه عمر خود را به کتابت گذراند. از این کاتب بزرگ ایرانی حدود ۹۹ جلد قرآن، ۷۷ جلد صحیفه و بسیاری دیگر از ادعیه به جا مانده است که برخی از آن‌ها در کتابخانه آستان قدس رضوی و برخی در موزه هم‌جوار آرامگاه نگه‌داری می‌شود. وی به واسطه هنر کم‌نظیر خود به اصفهان فرا خوانده شد و در آنجا تحفه‌ها و درآمد زیادی از جانب پادشاه و دیگر مردمان به دست آورد، اما به‌رغم این ثروت بزرگ، زندگی ساده‌ای در پیش گرفت و به انفاق و کمک به دیگران پرداخت (احسانی مقدم، ۱۳۹۰: ۶۷). با این تفاسیر باید گفت سید احمد نیریزی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین خوشنویسان ایرانی، نقش مهمی در تحول خطوط اسلامی و کاربری آن‌ها داشته است.

۳. تطبیق مؤلفه‌های بینشی سید قطب‌الدین نیریزی در کتیبه‌ای در مقبره سید احمد نیریزی

در برخی از نسخه‌های دستی به‌جامانده از استاد میرزا احمد نیریزی، امضا به اسم «سلطانی» آمده است، به همین واسطه ایشان را ملقب به همین نام می‌دانند. شهرت میرزا احمد نیریزی و آثارش در طول زمان زندگی و حتی پس از درگذشتش باعث شده است که بسیاری از آثار قدیم یا جدید را که کتابت اساتید دیگر بوده، به نام او امضا کرده و عرضه کنند. بدین سبب خطوط اصلی میرزای نیریزی کم‌یاب و بسیار ارزشمند است.

آرامگاه میرزا احمد نیریزی در قلب شهرستان نیریز از توابع استان فارس واقع شده است. این شاهکار معماری از آثار هوشنگ سیحون است که مقبره‌ای آجری و چشم‌نواز است. در کنار این آرامگاه از سال ۱۳۹۴ موزه‌ای به منظور نگهداری از آثار میرزا احمد نیریزی ایجاد شده است. تصویر شماره ۱، نمایی از این مقبره را نشان می‌دهد.



تصویر ۱: مقبره سید احمد نیریزی در نیریز فارس. (منبع: نگارنده)

این بنا نمادی از رحل قرآن است که با معماری ساسانی درهم آمیخته و شمایل زیبایی دارد.

نتیجه‌گیری

سید قطب‌الدین نیریزی (متوفی ۱۱۷۳ ه.ق) از حکمای شیعه اواخر عصر صفوی است که نقش مهمی در تحول گفتمان سیاسی- شیعی زمانه‌ی خویش داشته است. برخی اندیشه‌های وی با کتیبه‌های مقبره سید احمد نیریزی در نیریز همخوانی دارد. گرچه مبانی سه‌گانه اندیشه سیاسی سید قطب‌الدین تحت تأثیر فضای زمانه از جمله سقوط صفویه بوده است؛ اما بیشتر مؤلفه‌های آن ریشه در اندیشه و سیره امام علی (ع) دارد و حتی برای سیاست امروزین جوامع اسلامی کاربرد دارد؛ از این رو عبارات نیریزی بسیار زیرکانه و دارای اندیشه‌های عمیق است. او مرتباً تکرار می‌کند که حتی اگر فتنه افغان نیز از میان برچیده شود، «علت نخستین» همچنان باقی است. این نشان می‌دهد در نظر وی تنها تشکیل حکومتی بر مبنای اندیشه علی (ع) و عهدنامه مالک که در آن سه رکن سلطان، مردم و علما لحاظ شده باشند، می‌تواند صفویان را از بحرانی که گرفتار آن شده بودند، خارج سازد. بدین ترتیب، وی سعی دارد با وارد کردن عامل مردم در معادله قدرت، ضمن کنترل اهرم قدرت، نوعی حکومت مردم‌سالار را معرفی و تبیین کند؛ بنابراین نتایج تحقیق حاکی از این است که مبانی، رهیافت‌های نظری و دلالت‌های سه‌گانه اندیشه سیاسی سید قطب‌الدین بر اصولی علوی استوار بوده است. در پیوند با این موضوع مؤلفه‌های اصیل علوی از جمله نهج‌البلاغه، تعقل‌گرایی و اختیار باوری مهم‌ترین

دلالت‌های معرفتی اندیشه سیاسی و نقد علمای قشری، نقد حاکمیت صفوی، توجه به اهمیت و جایگاه مردم در اداره جامعه و انتخاب سلطان مهم‌ترین دلالت‌های تبیینی (وضعیتی) و تأکید بر عمل مسئولانه در برابر انزوای عافیت‌طلبانه، اجرای تعهدنامه سیاسی مهم‌ترین دلالت‌ها و مقومات هنجاری و تضمینات سیاسی اندیشه سید قطب‌الدین نیریزی بوده که همگی ریشه در سیره و اندیشه امام علی (ع) داشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. درباره رهیافت دلالتی در فهم اندیشه سیاسی نگاه کنید به «منوچهری، عباس (۱۳۸۸)، نظریه سیاسی پارادایمی، دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش سیاست نظری»، دوره جدید، شماره ششم.
۲. در این باره بنگرید به سید جواد طباطبایی، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی ایران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸، صص ۱۳۷ تا ۱۵۸.



منابع

کتاب‌ها

- احسانی مقدم، علی؛ کامگار، فرید. (۱۳۹۰). *کتاب‌شناسی میرزا احمد نیریزی*، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی اسپریگنز، توماس. (۱۳۷۷). *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی، چاپ چهارم، تهران: نشر آگاه.
- جناتی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۰). *ادوار اجتهاد*، قم: بی‌نا.
- چهاردهی، نورالدین مدرس. (۱۳۸۲). *سلسله‌های صوفیه در ایران*، تهران: علمی فرهنگی.
- خاوری، اسدالله. (۱۳۶۲). *ذهبیه*، تصوف علمی آثار ادبی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سید جواد، احمد و دیگران. (۱۳۶۶). *دایره‌المعارف تشیع*، ج ۴، تهران: انتشارات حکمت.
- شیبی، کامل مصطفی. (۱۳۵۹). *تشیع و تصوف*، ترجمه علیرضا ذکاوتی، تهران: دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سیدجواد. (۱۳۶۸). *درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی ایران*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- فضائی، حبیب‌الله. (۱۳۶۲). *اطلس خط*، تهران: سروش.
- کلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق. (بی‌تا)؛ اصول کافی، ج ۱، ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی، تهران: انتشارات مسجد.
- نسفی، عزیزالدین. (۱۳۸۴). *مجموعه رسائل (مشهور به کتاب الانسان الكامل)*، با پیشگفتار هانری کربن، تصحیح و مقدمه ماریژان موله، ترجمه مقدمه از سیدضیاءالدین دهشیری، تهران: انتشارات طهوری.
- نیریزی، سید قطب‌الدین محمد. (۱۳۷۱). *رساله سیاسی در تحلیل علل سقوط دولت صفویه و راه‌حل بازگشت آن به قدرت*، به اهتمام رسول جعفریان، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- نیریزی، سید قطب‌الدین محمد. (بی‌تا). *فصل الخطاب یا حکمت العلوی*، نسخه خطی شماره ۳۶۴/۳ دانشگاه تهران.

مقالات

- بشارت، مهدی. (۱۳۹۰). «تشیع و ادوار اندیشه سیاسی، در باب در باب فراز و فرودهای اندیشه سیاسی شیعه از پیدایش تا حال»، دو ماهنامه سوره اندیشه، ش ۵۶-۵۷.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۳). «عقل در سیاست: سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی»، تهران: نگاه معاصر، شماره ۶.
- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۷۷). «عرفان و سیاست»، فصلنامه متین، شماره ۷.
- عقیلی، سید احمد. (۱۳۸۹). «تحولات سیاسی و علمی تصوف از سقوط صفویه تا برآمدن زندیه ۱۱۳۵-۱۱۶۳ ق»، نشریه تاریخ ایران، شماره ۶۶/۶۵.

فدائی مهربانی، مهدی؛ خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۱). «عرفان و راه برون‌رفت از بحران سیاسی در اندیشه سیاسی سید قطب‌الدین نیریزی»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۶۵.
 منوچهری، عباس. (۱۳۸۸). «نظریه سیاسی پارادایمی». دو فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش سیاست نظری» دوره جدید، شماره ۶.
 مهاجرنیا، محسن. (۱۳۸۰). «تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام»، فصلنامه قبسات، شماره ۲۰ و ۲۱.

